

گفت و گو با صمد طاهری در باره
مجموعه داستان «زخم شیر»
به بهانه دریافت جایزه ادبی شیراز

زیر این آسمان هیچ چیزی جدید نیست

نمایندگان مجلس
اصلاحیه‌ای برای قانون صندوق
توسعه ملی تهیه کرده‌اند

جلوگیری از دست اندازی به صندوق توسعه

اعلام تنفس ۷ روزه در
رایزنی‌های برجامی در وین

فاصله‌ها دقیق‌تر و اختلاف‌ها روشن‌تر شد

معاون اول رئیس جمهوری
ضمن تشریح اقداماتش، از
مردم خواست که در انتخابات
حضور پیدا کنند

نگذاریم شهر به دست «مافیا» بیفتد



گفت و گوی «اعتماد» با شهردار تهران در باتلاقی که ساخته بودند غرق نشدیم

ثابت کردیم می‌توانیم شهر را ارزان‌تر اداره کنیم

امیر جدیدی / اعتماد

این خط مستقیم به‌خیر مربوط به بیمارستان دکتر دلش را صریح بیان کرد. اینکه کسی نمی‌تواند به جای او تصمیم بگیرد میلیمتری شهر دار نشده است؛ برای کسی نوشابه اضافه‌باز نمی‌کند و چنان عمومی شورای شهر با او همراه است؛ در تالابی که قالیباف پیش‌بینی کرده بود غرق نشده و محافظه‌کار نیست اما بحث «باس» جزو محرمانه‌هاست، بعضی از گزاره‌هایی است که تصور شنیدن‌شان از زبان پیروز حناچی سخت است. او در همین روند یک افشاگری جدیدی هم می‌کند؛ سوعاستفاده از خط ۱۳۷ شهرداری که در دوره گذشته گزینهای به نام هبه به آن اضافه شده و

شده یا مصاحبه کرده بودیم، اما تا پیش به این طبقه نفرین شده از ساختمان بهشت رسید زندگی‌اش دیگر گون شد؛ اینجا انگار افسون دار ده‌هرس کس پیش به این اتاق باز شود یا زندان می‌رود یا رئیس قوه می‌شود. اینجا دفتر شهردار تهران است، پیروز حناچی با احمدی‌نژاد و محمدباقر قالیباف مصون ماندند و رئیس قوه شدند. قاب عکس احمدی‌نژاد با همه متفاوت است، بخشی از بالای سرش نیست؛ این قاب برایش کوچک بوده یا شاید تقدیرش این باشد؛ نمی‌دانم، با قاپ‌ها حرف می‌زنم و خاطر اتم با دکتر نجفی را مرور می‌کنم، در همه طبقات این ساختمان بارها مکالمات

تقریباً صاحب همه پرتره‌ها زندان را تجربه کرده‌اند جز دو، سه نفر؛ محمدتوسلی چندین بار زندان رفته، درخت است و انتهایش دامنه کوه. از اینجا حتی جنوب شهر هم زیباییست؛ معماری زیبا و بدون آسمانخراش؛ تا چشم کاری کند قلمرو ات را می‌بینی؛ سربا، بی‌هیچ فرسودگی و آسیب و کار تن خوابی. همین‌طور که از دیدن شمال و جنوب شهر خط می‌برم و تهران را جور دیگری می‌بینم چشمم به سر در می‌افتد که از آن وارد شدیم، قاب‌هایی با عکس پرتره سیاه و سفید. آخرینش محمدعلی نجفی است که مغفوب به چشمات نگاه می‌کند. انگار ورودی موزه عبرت است،

برعکس دیدم که برخی منتقدان طریف خواسته‌اند بگویند که اتفاق این درست است و باید هم چنین باشد و برعکس آن یعنی هنگلی که میدان در خدمت دیپلماسی باشد، نادرست است. متناسفانه این افراد اصلاً به سخن آقای طریف که بارها تکرار شد توجه نکردند. وی معتقد است که دیپلماسی، اقتصاد، میدان یا نظمی، اطلاعات و سیاست داخلی، نه در طول بول که در عرض یکدیگر و در خدمت تأمین منافع ملی باید باشند. او در صد تقدم دیپلماسی بر میدان نیست، همچنان که در مواردی از کمک‌های میدان به دیپلماسی به نیکی یاد می‌کند. تأکید او این است که اینها در عرض یکدیگرند و باید در خدمت تأمین منافع ملی باشند و هیچ کدام را نباید تابع دیگری تعریف کرد. این ایده روشن و درست است.

۲- نکته دیگری که وی شرح می‌دهد، فقدان هماهنگی کافی در مساله سیاست خارجی و نیز دخالت‌های زبان‌پار است. البته این فقدان هماهنگی را در اقتصاد و سیاست داخلی و فرهنگی و اجتماعی هم می‌بینیم ولی آن متنی آن در سیاست خارجی خیلی بیشتر است. در مصاحبه اخیر آقای صالحی وزیر امور خارجه دولت قبلی این مساله روشن تر بیان شده است. وی معتقد است سیاست خارجی باید ملی باشد و رویکرد بین‌المللی کشور؛ به یک امر ملی و تفاهمی تبدیل شوند؛ اینکه وقتی می‌رویم به فلان کشور تا پیام حسن همجواری یا مودت ببریم، بلافاصله یک مقام غیر مرتبط حملات تند را علیه آن کشور می‌کند. این نشان می‌دهد که سیاست خارجی از نوعی دخالت‌های غیرمسئولانه و نیز ناهماهنگی در رنج است و خوب هر دو سیاست را می‌خورند، ولی نان هیچ یک از دو سیاست به دست نمی‌آید. مشکل ایران این است که قدرت اعمال سیاست در جایی است ولی مسئولیت آن متوجه وزارت امور خارجه است. این شکاف و سنگ اندازی‌ها و برانگیز است. در این گفت و گو طریف به اقدامات ابتدایی و مکرر پیش از نهایی شدن برجام اشاره کرده است که بسیار تأسف‌بار است. **ادامه در صفحه ۲**

اسم می‌برم؛ در چند مورد بر خلاف روال معمول حرف دلش را صریح بیان کرد. اینکه کسی نمی‌تواند به جای او تصمیم بگیرد میلیمتری شهر دار نشده است؛ برای کسی نوشابه اضافه‌باز نمی‌کند و چنان عمومی شورای شهر با او همراه است؛ در تالابی که قالیباف پیش‌بینی کرده بود غرق نشده و محافظه‌کار نیست اما بحث «باس» جزو محرمانه‌هاست، بعضی از گزاره‌هایی است که تصور شنیدن‌شان از زبان پیروز حناچی سخت است. او در همین روند یک افشاگری جدیدی هم می‌کند؛ سوعاستفاده از خط ۱۳۷ شهرداری که در دوره گذشته گزینهای به نام هبه به آن اضافه شده و

در حالی که نظام انتخابات موجود باشد، طبیعی است بخشی از شهروندان که کاندیدهایشان رد صلاحیت می‌شوند، از آنجا که می‌پندارند این رویه ناشی از حب و بغض جناحی است، تمایلی به حضور در صحنه و مشارکت نخواهند دید و در عمل رقابتی صورت نمی‌گیرد؛ چرا که اگر کاندیدهای شاخص از یک جناح باشند، وضعیتی حاکم می‌شود. شبیه به این که باز یکتان ذخیره یک تیم با یکتان اصلی همان تیم مسابقه دهند. حال آنکه هر رقابت و مسابقه زمانی معنادار خواهد بود که قیای واقعی رود و روی یکدیگر قرار بگیرند. به هر حال انتخابات نوعی رقابت و مسابقه است و وقتی رقابتی معنادار شکل می‌گیرد که کاندیدهای جریان‌های مختلف حضور داشته باشند. بحث دیگر در باره انتخابات شوراها با توجه به رد صلاحیت کاندیدها این است که اگر چه شوراها در فرآیند سیاست‌گذاری نقشی اساسی بر عهده دارند اما اعضای پارلمان‌های شهری به خصوص در کلانشهرها نباید از اقدامات سیاسی به معنای فعال در حوزه فعالیت جناحی باشند. حال آنکه سیاسی بودن افراد به معنای آشنایی آنان با مفهوم سیاست و دانش سیاسی بحث دیگری است و از آنجا که بخش چشم‌گیری از فعالیت شوراها در حوزه سیاست‌گذاری عمومی تعریف می‌شود، از این حیث منعی وجود ندارد. به جز این معنا، از آنجا که در مقام عمل عمده فعالیت‌های شوراها شهر فعالیت‌های اجتماعی است و کارشان به زندگی مردم در دنیا و در دنیای دیباخت جناحی شونده، چرا که اگر شوراها به مفهوم جناحی، سیاسی شوند تا عمق مردم، تا خانه‌های مردم، تا محل تردد و زندگی مردم هم‌امور جناحی- سیاسی می‌شود. در چنین شرایطی اما گروهی خاص از فعالان یک جناح خاص سیاسی اصرار دارند که تمام شؤون مردم حاکم شده در همه چیز ورود کنند که...

شورای انتخابات شوراها و مشارکت شهروندان

در حالی که طی روزهای گذشته اخباری در باره رد صلاحیت کاندیدهای انتخابات شوراها اسلامی شهر و روستا منتشر شده، صرف‌نظر از موارد خاص و افرادی که بعضاً پرونده داشته‌اند به نظر می‌رسد نظام انتخابات و قوانین انتخاباتی در کشور ما با اشکالات اساسی مواجه است که بر طرف نشدن این اشکالات، ظلمی فاحش است در حقوق ملت؛ در بررسی و واکاوی این مساله به نظر می‌رسد اشکال اساسی در این رابطه آن است که ناظران و کسانی که باید درباره صلاحیت نامزدها اعلام نظر کنند هر چند که شأن حقوقی دل‌ندام‌شخصی هستند که به یک جریان سیاسی وابستگی دارند. اگر چه به موجب قانون، نمایندگان مجلس شورای اسلامی ناظر بر انتخابات شوراها هستند اما با توجه به نوع نگاه شورای نگهبان به انتخابات مجلس هم اکنون اکثریت قریب به اتفاق نمایندگان به جریان اصولگرایی اشاره دارند. بر این اساس گرایش نمایندگان عضو کمیسیون شوراها و امور داخلی کشور در مجلس - در سطوح استانی همچنین افرادی که به کار می‌گیرند - و متعاقباً هیات نظارت بر این انتخابات عمدتاً از همین جریان سیاسی است. در نتیجه به نظر می‌رسد که این رویکرد، رویکردی صحیح نیست و شبیه به آن است که دو تیم را برای مسابقه دعوت کنید و داور را از یکی از این دو تیم قرار دهید! نظام انتخابات ما نیز در شرایط کنونی تا حدودی قابل توجه به همین ترتیب فعالیت می‌کند و به نظر می‌رسد که باید در اسرع وقت در این رابطه چاره‌اندیشی شود. به هر روی مادمی که چنین اشکالی در قانون انتخابات

انتشار نوار گفت و گوئی آقای طریف مثل هر پدیده دیگر در ایران به سرعت به انحراف کشیده شد و مفهومی اصلی اظهارات وی یا شنیده نشد یا آنکه به شکل نادرستی طرح شد. فارغ از اینکه هر فردی موافق یا مخالف این نکات باشد باید درباره محتوای آن نیز سخن گفت. در این یادداشت می‌گویم که چند نکته درباره این گفت و گو را توضیح دهم. اگر چه بخش مهمی از نکات مزبور در فضای عمومی و از گذشته گفته می‌شده، ولی چون فعالان زبان یک مقام مسئول ابراز شده بیشتر مورد توجه قرار گرفته است. ۱- آقای طریف می‌گوید که توضیح دهد در ایران دیپلماسی تبلیغ میدان و در خدمت آن بوده است و نه برعکس دیدم که برخی منتقدان طریف خواسته‌اند بگویند که اتفاق این درست است و باید هم چنین باشد و برعکس آن یعنی هنگلی که میدان در خدمت دیپلماسی باشد، نادرست است. متناسفانه این افراد اصلاً به سخن آقای طریف که بارها تکرار شد توجه نکردند. وی معتقد است که دیپلماسی، اقتصاد، میدان یا نظمی، اطلاعات و سیاست داخلی، نه در طول بول که در عرض یکدیگر و در خدمت تأمین منافع ملی باید باشند. او در صد تقدم دیپلماسی بر میدان نیست، همچنان که در مواردی از کمک‌های میدان به دیپلماسی به نیکی یاد می‌کند. تأکید او این است که اینها در عرض یکدیگرند و باید در خدمت تأمین منافع ملی باشند و هیچ کدام را نباید تابع دیگری تعریف کرد. این ایده روشن و درست است.

خبر و بیشتر
ویدیوها و گفت‌وگوهای متفاوت

ETEMADONLINE.COM

ایران و امریکا از لنز چین

در حال حاضر روابط ایران و امریکا یکی از موضوعات داغ جامعه جهانی است. هر دو کشور درگیر تنش‌های شدیدی بر سر توافق هسته‌ای ایران (برجام) هستند. هم‌زمان، پس از امضای برنامه همکاری جامع ۲۵ ساله بین ایران و چین در تاریخ ۲۷ مارس، روابط این دو کشور نیز مورد توجه رسانه‌های بین‌المللی قرار گرفت. علاوه بر این، روابط ایران و امریکا و روابط ایران و چین اغلب برای بحث در کنار یکدیگر قرار داده می‌شوند. در واقع، ایالات متحده چه قبل و چه بعد از انقلاب اسلامی عامل مهمی در توسعه روابط بین چین و ایران در بلندمدت بوده است. در این لحظه حساس، روابط سه‌جانبه امریکا، ایران و چین یاد دیگری به‌طور طبیعی مورد توجه مردم بسیاری از کشورها قرار گرفته است. با این حال، ما بچند مورد از این دیدگاه‌ها ملاحظه می‌کنیم. این دیدگاه وجود دارد که بهبود روابط چین و امریکا بر نگرش چین نسبت به ایران تأثیر می‌گذارد. این دیدگاه‌ها می‌تواند ماهیت روابط چین و ایران را نشان دهد، بنابراین با شرایط واقعی مطابقت ندارد. دلیل اساسی امضای برنامه همکاری جامع ۲۵ ساله چین و ایران، نیازهای متقابل دو کشور است، من در این سه مقاله‌ای که منتشر کرده‌ام به این نکته بارها تأکید کرده‌ام: «چین شریک ایده‌آل ایران است» (تهران تایمز، ۲۷ مارس)، «چرا سفر وزیر خارجه چین به ایران مهم است؟» (انتخاب، ۲۷ مارس) و «چرا چین و ایران به یکدیگر احتیاج دارند؟» (هم‌شهری، ۴ آوریل). البته مقاله‌ای که من در چین نیز منتشر کرده‌ام، تأکید دارد که نیازهای متقابل چین و ایران نیروی محرکه اساسی توسعه روابط بین دو کشور است.

کالای شمارا ما معرفی می‌کنیم

سازمان آگهی‌های روزنامه اعتماد

تلفن: ۰۲۵-۶۶۱۲۴۰۶۶ - ۰۲۵-۶۶۴۲۹۹۷۳

مهم‌ترین نکات
گفت و گوئی ظریف
چه بود؟
عباس عبدی

کالای شمارا ما معرفی می‌کنیم

سازمان آگهی‌های روزنامه اعتماد

تلفن: ۰۲۵-۶۶۱۲۴۰۶۶ - ۰۲۵-۶۶۴۲۹۹۷۳